

پدافند غیرعامل؛  
چالش‌ها و راهبردهای تأمین امنیت انسانی



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی  
گروه سیاست و امنیت / کارگروه سیاست

عنوان:	پدافند غیرعامل؛ چالش‌ها و راهبردهای تأمین امنیت انسانی
نویسندگان:	حجت‌الاسلام دکتر سید جواد حسینی گرگانی* حجت‌الاسلام سعید کحیا**
شماره ثبت در مرکز:	۰۵/-/۰۸-۷۵۸
تاریخ انتشار:	بهار ۱۴۰۵
ارزیاب علمی:	حجت‌الاسلام دکتر سید کاظم سیدباقری
کارشناس مرکز:	حجت‌الاسلام علیرضا مظاهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**پدافند غیرعامل؛  
چالش‌ها و راهبردهای تأمین امنیت انسانی**

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی  
گروه سیاست و امنیت / کارگروه سیاست  
بهار ۱۴۰۵



## فهرست

۷.....	خلاصه مدیریتی
۸.....	مقدمه
۱۰.....	۱. چارچوب نظری امنیت انسانی
۱۲.....	۲. روش تحقیق
۱۳.....	۳. تاریخچه پدافند غیرعامل در کشور
۱۵.....	۴. حوزه‌ها و سازمان‌های مختلف درگیر در پدافند غیرعامل
۱۷.....	۵. سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل
۲۰.....	۶. قوانین پدافند غیرعامل
۲۲.....	۷. اهداف پدافند غیرعامل
۲۴.....	۸. اصول پدافند غیرعامل
۲۶.....	۹. مدیریت جهادی؛ نیروی محرکه پدافند غیرعامل و تأمین امنیت انسانی
۲۸.....	۱۰. چگونگی بهره‌گیری از پدافند غیرعامل
۳۰.....	۱۱. پدافند غیرعامل و صداوسیما

توصیه‌های سیاستی .....	۳۲
۱. تقویت زیرساخت‌ها و بازنگری در عملکرد پدافند غیرعامل کشور .....	۳۲
۲. مقابله هوشمندانه با پدیده نفوذ .....	۳۳
۳. بازنگری در جانمایی زیرساخت‌های حیاتی و رعایت اصل پراکندگی .....	۳۴
۴. توسعه پناهگاه‌های شهری و بازنگری در زیرساخت‌های حفاظتی تهران .....	۳۶
۵. بازنگری در مدیریت فناوری‌های نوین به‌ویژه تلفن همراه .....	۳۷
منابع .....	۳۹

## خلاصه مدیریتی

این گزارش راهبردی با هدف تبیین نقش حیاتی پدافند غیرعامل در تأمین امنیت انسانی و ارائه راهبردهای عملی برای افزایش تاب‌آوری ملی تهیه شده است. پدافند غیرعامل، به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات غیرمسلحانه برای کاهش آسیب‌پذیری و تداوم خدمات حیاتی، ابزاری ضروری برای مقابله با تهدیدات پیچیده و چندبعدی قرن حاضر است. پدافند غیرعامل با محور قرار دادن صیانت از جان، سلامت و معیشت مردم، در چارچوب امنیت انسانی قرار می‌گیرد و فراتر از یک مفهوم صرفاً نظامی است.

علیرغم سابقه تاریخی و غنای آموزه‌ای در این حوزه، هماهنگی نهادی، شفافیت در مدیریت بحران و آمادگی در برابر تهدیدات نوین (به‌ویژه سایبری و زیستی) نیازمند تقویت جدی است. سیاست‌های کلی ابلاغی و قوانین مصوب، چارچوب مناسبی را فراهم کرده‌اند، اما اجرای هماهنگ، نظارت مؤثر و تخصیص منابع کافی چالش اصلی پیش‌رو است. الگوی مدیریت جهادی با تأکید بر نوآوری، ایثار و مشارکت مردمی، می‌تواند نیروی محرکه تحقق اهداف پدافند غیرعامل باشد.

توصیه‌های سیاستی محوری این گزارش عبارتند از: (۱) بازنگری و تقویت زیرساخت‌ها: مقاوم‌سازی فوری شریان‌های حیاتی کشور و بازسازی ساختار مدیریتی پدافند غیرعامل با تمرکز بر شفافیت و پاسخگویی؛ (۲) مقابله هوشمند با نفوذ: تقویت سامانه‌های رصد و تشخیص تهدیدات امنیتی نوین و خنثی‌سازی سلول‌های خرابکار؛ (۳) اصلاح جانمایی تأسیسات: انتقال تدریجی مراکز پرخطر از مناطق پرجمعیت و رعایت اصل پراکندگی در آمایش سرزمین؛ (۴) توسعه پناهگاه‌های شهری: طراحی و اجرای برنامه‌ای ملی برای ایجاد و تجهیز پناهگاه‌های استاندارد در کلان‌شهرها به‌ویژه تهران؛ (۵) مدیریت فناوری‌های نوین: وضع مقررات سختگیرانه برای استفاده امن از ابزارهای ارتباطی دیجیتال توسط بدنه حاکمیت و مدیران.

در نهایت می‌توان بیان کرد پدافند غیرعامل یک راهبرد ملی پیش‌دستانه است که تحقق آن مستلزم عزم فرابخشی، سرمایه‌گذاری پایدار، به‌روزرسانی مداوم دانش فنی و جلب مشارکت فعال مردم است. اجرای اثرگذار آن نه تنها امنیت کشور را در برابر تهدیدات تضمین می‌کند، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی و رفاه عمومی منجر خواهد شد.

پدافند غیرعامل با مفهوم کلی دفاع در برابر تهاجم بدون استفاده از سلاح و درگیر شدن مستقیم، سابقه‌ای بس طولانی در تاریخ بشری به قدمت خلقت انسان دارد. انسان اولیه نیز برای حفظ بقا و مقابله با تهدیدات طبیعی یا انسانی، ناخواسته به اصول ابتدایی پدافند غیرعامل روی می‌آورد؛ از پنهان شدن در غارها و استفاده از استتار طبیعی گرفته تا ایجاد موانع در برابر مهاجمان. وجه تمایز پدافند عامل و غیرعامل را باید عامل انسان دانست؛ به این معنی که پدافند عامل را ابزاری می‌دانند که نیاز به مدیریت مستقیم و کاربردی انسانی دارد و مشتمل بر ابزارآلات جنگی، سازماندهی، آموزش و مدیریت نیروها است. در شرایط عدم حضور انسان، آن ابزار به خودی خود فاقد اعتبار است و نمی‌تواند به نحو مؤثری عمل کند. در مقابل، در بحث پدافند غیرعامل، تأکید بر جنبه‌های غیرمسلحانه و هوشیاری در برابر تهدیدات، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از این رو، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر را که به‌طور غیرمسلحانه موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران، حفظ جان انسان‌ها و زیرساخت‌های حیاتی در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می‌شود، پدافند غیرعامل می‌گویند. این تعریف بیانگر آن است که پدافند غیرعامل صرفاً یک مفهوم نظامی محدود نیست، بلکه رویکردی جامع و چندبعدی است که تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی روانی یک ملت را در بر می‌گیرد.

این نوع از پدافند به‌ویژه در شرایط بحرانی و در مواجهه با تهدیدات جدی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. در دوران دفاع مقدس، با توجه به استفاده رژیم بعثی از سلاح‌های شیمیایی و دیگر حملات مخرب، توجه به اصول پدافند غیرعامل نه تنها به کاهش تلفات انسانی کمک کرد، بلکه موجب افزایش روحیه مقاومت در میان رزمندگان گردید و آنان را در برابر دشمنان مصون‌تر ساخت. این تجربه تاریخی نشان داد که پدافند غیرعامل می‌تواند از یک راهبرد تدافعی منفعل، به یک ظرفیت فعال برای حفظ اقتدار ملی و تقویت انسجام اجتماعی تبدیل شود.

اصول پدافند غیرعامل در آن دوران شامل اقداماتی مانند استتار، اختفا، پوشش فریب، تفرقه و پراکندگی، مقاوم‌سازی و هشدار به موقع بود. این اصول به گونه‌ای طراحی شده بودند که بتوانند در شرایط بحرانی آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و جمعیت را به حداقل برسانند. برای مثال، استفاده از روش‌های استتار و اختفا در جبهه‌ها به رزمندگان این امکان را می‌داد که از دید دشمن پنهان بمانند و خطرات ناشی از حملات هوایی را کاهش دهند. همچنین پراکندگی تجهیزات و نیروها مانع از نابودی یک‌باره توان عملیاتی کشور بر اثر حملات دشمن می‌شد.

بررسی تجارب تاریخی باعث می‌شود از موفقیت‌ها و ناکامی‌ها درس بگیریم و این تجربیات می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های آینده در مواقع بحران و جنگ بسیار مفید باشد. این فرایند یادگیری به ما کمک می‌کند استراتژی‌های مؤثرتری برای مواجهه با تهدیدات احتمالی تدوین کنیم. به بیان دیگر، تاریخ جنگ‌ها و بحران‌ها به مثابه یک آزمایشگاه بزرگ عمل می‌کند که نتایج آن باید به‌طور مستقیم در تدوین سیاست‌ها و طراحی سازوکارهای پدافند غیرعامل امروز و فردا به کار گرفته شود.

انجام اقدامات دفاع غیرعامل در جنگ‌های امروزی، در جهت مقابله با تهاجمات دشمن و تقلیل خسارات ناشی از حملات زمینی، هوایی و دریایی، موضوع بنیادی است که وسعت و گستره آن تمامی زیرساخت‌های کلیدی، مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی کشور نظیر پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، بندرها، دفاع در دریا، دفاع در زیر سطح دریا، فرودگاه‌ها، مجتمع‌های بزرگ صنعتی، قرارگاه‌ها و مراکز عمده فرماندهی نظامی و هدایت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مراکز اصلی مخابراتی و ارتباطی، پل‌های راهبردی، صنایع نظامی، پایگاه‌های هوایی، سایت‌های موشکی، مراکز و ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی، انبارهای عمده مواد غذایی و دارویی، مراکز جمعیتی و قرارگاه‌های تاکتیکی، مقرها و نقاط عمده آمادی و پشتیبانی و بسیاری دیگر از زیرساخت‌ها را در بر می‌گیرد. این گستره وسیع نشان می‌دهد که پدافند غیرعامل به هیچ‌وجه محدود به عرصه نظامی صرف نیست، بلکه قلب تپنده زندگی مدنی و اقتصادی جامعه را نیز شامل می‌شود.

به هر حال، تجارب حاصل از جنگ‌های گذشته، به‌خصوص در حوزه فناوری اطلاعات و سایبری، مؤید این نظر است که کشور مهاجم برای در هم شکستن اراده ملت و توان سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور مورد تهاجم، با اتخاذ راهبرد انهدام مراکز ثقل، توجه خود را صرف بمباران و انهدام مراکز حیاتی، حساس و مهم می‌نماید. این استراتژی تهاجمی، به‌ویژه در عصر حاضر که وابستگی به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات افزایش یافته، می‌تواند تبعات جدی برای امنیت ملی به دنبال داشته باشد و ضرورت توجه به پدافند غیرعامل را دوچندان می‌کند.

از منظر راهبردی، پدافند غیرعامل در قرن بیست‌ویکم باید فراتر از چارچوب سنتی تعریف شود و حوزه‌هایی همچون امنیت سایبری، امنیت زیستی، امنیت محیط‌زیستی و حتی امنیت روانی و اجتماعی را در بر گیرد. حملات نوین دشمنان الزاماً با موشک و بمب صورت نمی‌گیرد؛ گاهی یک حمله سایبری می‌تواند شبکه برق یک کشور را فلج کند، یک ویروس آزمایشگاهی می‌تواند سلامت میلیون‌ها نفر را به خطر اندازد، یا یک موج رسانه‌ای سازمان‌یافته می‌تواند جامعه را دچار هرج و مرج روانی کند.

در نتیجه، تقویت و بهبود اقدامات پدافند غیرعامل باید به‌عنوان یک اولویت جدی در سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور مورد توجه قرار گیرد. این موضوع نه تنها در سطح حاکمیت بلکه در سطح عمومی جامعه نیز باید نهادینه شود. شهروندان نیز به سهم خود نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی‌اند تا بدانند چگونه در مواقع بحران عمل کنند، چگونه از منابع حیاتی حفاظت نمایند و چگونه در برابر تهدیدات روانی و رسانه‌ای مقاومت نشان دهند. تنها در چنین چارچوبی است که پدافند غیرعامل می‌تواند به رسالت اصلی خود یعنی صیانت از انسان، جامعه و کشور در برابر تهدیدات متنوع و پیچیده عمل نماید.

## ۱. چارچوب نظری امنیت انسانی

یکی از کانونی‌ترین دشواری‌ها در ادبیات مطالعات امنیتی، تعریف و تحدید مفهوم «امنیت» است. امنیت در سنت‌های فکری مختلف، از منظرهای متفاوتی معنا می‌یابد و همین امر به تکثر و گاه تعارض تعاریف انجامیده است. این واژه همانند بسیاری از مفاهیم دچار برداشت‌های گوناگون شده است و هر کسی از زاویه و منظر نظام معنایی خاص خود به آن معنا می‌بخشد. شاید بتوان تعریفی که واسطی در تاج العروس به نقل از المناوی آورده است را تعریفی جامع در خصوص واژه «الامن» دانست که می‌گوید: «و قال المناوی عدم توقع مکروه فی الزمن الآتی و أصله طمأنینة النفس و زوال الخوف؛ ایمنی، رهایی از تردید تشویش یا هراس اطمینان و اعتماد به نفس که از معانی امنیت محسوب می‌شوند».

برخلاف معنای لغوی، این واژه در اصلاح از معانی بسیار متفاوت و گاه متعارضی برخوردار است. در یک بررسی اجمالی در چند سال پیش بیش از ۱۵۰ تعریف متفاوت از این اصطلاح یافت شده است که برخی آنها را با توجه به نوع گفتمان حاکم به دو دسته اصلی (۱) تعاریف سلبی از امنیت و (۲) تعاریف ایجابی امنیت تقسیم کرده‌اند. در تعریف سلبی، امنیت عبارت است از وضعیتی که در آن منافع بازیگر در معرض تهدید از سوی دیگر بازیگران نبوده و یا در صورت احتمال وقوع تهدیدشونده از امکان و توان لازم برای مقابله مهار و دفع آن برخوردار باشد. این مفهوم در رویکرد ایجابی نیز عبارت است از امنیت، وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌های بازیگر نسبتی متعادل وجود دارد؛ به گونه‌ای که نزد اعضای آن واحد سیاسی تولید رضایت می‌نماید. بر این مبنا، چارچوب امنیت انسانی، نقطه عزیمت را از دولت‌محوری به انسان‌محوری تغییر می‌دهد و به جای تمرکز انحصاری بر تهدید نظامی، بر مخاطرات چندبعدی اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی/اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند.

برخی از این تعاریف ناشی از اختلاف برداشت از اصطلاح امنیت است؛ بخشی دیگر ناشی از سطوح و ابعاد مختلف امنیت است که از سطح فردی تا بین‌المللی و از بعد نظامی تا زیست‌محیطی را شامل می‌شود. برخی دیگر با تفکیک وجه ذهنی و عینی امنیت را در معنای عینی فقدان تهدید در قبال ارزش‌های کسب‌شده و از لحاظ ذهنی نبود ترس از اینکه این ارزش‌ها مورد هجوم قرار گیرد دانسته‌اند. عده‌ای دیگر در تعریف امنیت گفته‌اند، امنیت ظرف و توانی ضروری برای رشد و شکوفایی زندگی اجتماعی است. امنیت شرط اساسی برای پیروزی در هر صورتی از صورت‌های فعالیت بشری چون کشاورزی صنعتی و اقتصادی است. در واقع امنیت لازمه حفظ کیان و موجودیت دولت و عنصر تأکیدکننده استقلال است. در فقه اسلامی و به‌طور کل در ادبیات اسلامی ریشه لغوی امنیت - واژه «امن» - به معنای در امان و محفوظ بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن از هر تهدید و ترس است. شهید اول نظامات سیاسی را از جمله وسایلی تلقی می‌کند که مصالحی تبعی دارند و احکام آنها تابعی از حفظ مصالح خمس است؛ یعنی احکام فقهی برای تأمین این مصالح آمده است. ایشان مقاصد یا ضروریات خمس را این‌گونه بیان می‌کند: حفظ نفس؛ حفظ دین؛ حفظ عقل؛ حفظ نسب و حفظ مال (شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۸).

قرآن کریم نیز هر جا کلمه امنیت را به کار برده به معنای اطمینان آرامش و عدم تهدید و ترس است؛ از جمله آیه ۲۵ سوره بقره آیه، آیه ۶۷ سوره عنکبوت، آیه ۱۵۴ سوره آل عمران، آیات ۳ و ۴ سوره قریش و آیه ۸۲ سوره انعام. بنابراین نوعی اتفاق نظر ضمنی وجود دارد که امنیت به معنای رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین است؛ یعنی امنیت با نبودن تهدید تعریف و شناخته می‌شود و چنانچه به تضمین رفاه آتی هم توجه داشته باشیم، به گونه‌ای رهایی از نیاز را نیز بایستی در مفهوم امنیت مد نظر داشت. با توجه به این مطالب شاید بتوان تعریف کلی امنیت را این‌گونه بیان کرد: «امنیت به معنای دستیابی به وضعیتی است که یک نفر (اعم از شخص حقیقی) با انجام دادن یا انجام ندادن اقداماتی از آسیب یا تعرض و یا تهدید دیگری محفوظ و مصون باشد تا به آنچه می‌خواهد برسد و یا در آن وضعیت قرار گیرد».

اما امنیت انسانی، یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر است و شاید بتوان گفت مبنای اصلی این حقوق به شمار می‌رود. در واقع دولت نه تنها نباید امنیت شهروندان را مخدوش نماید (تعهد منفی)، بلکه وظیفه دارد شرایط لازم برای حفظ امنیت شهروندان را فراهم آورد (تعهد مثبت). امنیت انسانی در پی آن است که با قرار دادن فرد انسانی در مرکز دغدغه‌های امنیتی، در نحوه تأمین امنیت تغییراتی ایجاد نماید. پایان یافتن جنگ سرد این فرصت را در اختیار مرکز توسعه سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> قرار داد که ادبیات مطالعات امنیتی را حول محور توسعه انسانی گسترش دهد و با قرار دادن امنیت انسانی بر این مبنای ایده‌های ملحوظ در گزارش کمیسیون پالمر را مورد توجه قرار دهد. برنامه توسعه ملل متحد در گزارش خود در سال ۱۹۹۳ تأکید کرد که فرد انسانی باید در بین و بطن امور بین‌المللی قرار بگیرد. دکتر محبوب الحق برای نخستین بار در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد، توجه جهانی را به مفهوم امنیت انسانی جلب نمود و تلاش کرد نشست جهانی ملل متحد در خصوص توسعه اجتماعی را که در سال ۱۹۹۵ در کپنهاگ برگزار گردید، تحت تأثیر قرار دهد.

کمیسیون سازمان ملل درباره امنیت انسانی در گزارش سال ۲۰۰۳ نیز تعریف امنیت انسانی را به‌عنوان حمایت واقعی و محوری از تمام افراد بشر مورد تصدیق قرار داده است؛<sup>۲</sup> به گونه‌ای که منجر به دستیابی و بهره‌مندی کامل از آزادی‌های بشری گردد. امنیت انسانی به معنی حمایت از آزادی‌های اساسی است؛ آزادی‌هایی که اساس زندگی مردم‌اند و به معنی حمایت از مردم در برابر تهدیدها و وضعیت‌های وخیم و بحرانی و گسترده است. امنیت انسانی، با محوریت «حفاظت از مردم» و «توانمندسازی در برابر مخاطرات چندبعدی»، افق مفهومی و عملیاتی پدافند غیرعامل را گسترش می‌دهد. وقتی پدافند غیرعامل، صرفاً به «پوشش و استتار» یا «سخت‌سازی فیزیکی» فروکاسته نشود و در معنای کامل «کاهش آسیب‌پذیری، تداوم خدمت، و آرامش‌بخشی و هدایت افکار عمومی» فهم شود، با امنیت انسانی هم‌افزا می‌گردد.

1. UNDP

2. Commission on Human Security, Human Security Now, p. 4; available at: <http://www.resdal.org/ultimos-documentos/com-seg-hum.pdf> [accessed 7 May 2018].

## ۲. روش تحقیق

در این گزارش، برای بررسی و تحلیل موضوعات مختلف و پیچیده، از «روش تحقیق کیفی» استفاده شده است. این روش به ما این امکان را می‌دهد که با نگاهی عمیق‌تر و تحلیلی به پدیده‌ها و مسائل موجود پردازیم و از طریق جمع‌آوری داده‌های غیر عددی و کیفی، به درک بهتری از ابعاد مختلف موضوعات برسیم. استفاده از روش کیفی در چنین تحقیقاتی، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون پدافند غیرعامل و امنیت انسانی که ماهیت میان‌رشته‌ای، چندوجهی و پیچیده دارند، ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شود؛ چراکه بسیاری از ابعاد تهدیدات، صرفاً با داده‌های کمی و عددی قابل‌شناسایی نیستند و نیازمند واکاوی لایه‌های پنهان، بررسی زمینه‌های اجتماعی و تحلیل شرایط محیطی هستند.

با توجه به پیچیدگی و حساسیت موضوع، اتخاذ یک رویکرد کیفی به ما این فرصت را می‌دهد که به جزئیات پنهان و نادیده گرفته‌شده در زمینه این تهدیدات توجه کنیم و به تحلیل‌های دقیق‌تر و چندساحتی دست یابیم. این روش اجازه می‌دهد فراتر از نمودهای ظاهری، به چرایی‌ها و چگونگی‌های شکل‌گیری تهدیدات پرداخته و روابط علت و معلولی پدیده‌ها روشن شود. به بیان دیگر، تحقیق کیفی در این گزارش امکان می‌دهد به‌جای تمرکز صرف بر آمار و داده‌های کمی، به عمق مفاهیم و معناهای نهفته در پس‌رخدادها پرداخته شود.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش‌های کیفی مختلفی از جمله تحلیل اسناد و گزارش‌های موجود در این حوزه استفاده شده است. این رویکرد به ما این امکان را می‌دهد که به یک تصویر جامع و دقیق از وضعیت موجود دست یابیم و شواهد مربوط به پدافند غیرعامل و امنیت انسانی را به‌طور مؤثری تحلیل کنیم. علاوه بر تحلیل اسناد، استفاده از مصاحبه‌های تخصصی، بررسی دیدگاه‌های کارشناسان، تحلیل محتوای رسانه‌ها و گزارش‌های بین‌المللی نیز به تقویت داده‌ها و افزایش اعتبار تحقیق کمک کرده است. جمع‌آوری داده‌ها از منابع متنوع داخلی و خارجی، این فرصت را فراهم می‌آورد که موضوع نه از یک زاویه محدود، بلکه از چشم‌اندازهای چندگانه و متکثر مورد واکاوی قرار گیرد. جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف، به ما این امکان را می‌دهد که ابعاد گوناگون موضوع را از زوایای مختلف بررسی کنیم و به درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه برسیم.

در نهایت، با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی، این گزارش سعی دارد به عمق موضوع پدافند غیرعامل و امنیت انسانی پرداخته و با ارائه تحلیل‌های دقیق و مستند، به سیاست‌گذاران و مسئولان کشور در راستای تقویت زیرساخت‌ها و اقدامات پیشگیرانه کمک کند. این رویکرد کیفی با فراهم کردن زمینه‌ای برای بررسی عمیق‌تر و تحلیلی‌تر، می‌تواند به بهبود سیاست‌ها و راهکارهای عملیاتی کمک شایانی نماید و در نهایت به ارتقای سطح امنیت و پایداری کشور کمک کند. اهمیت این امر در شرایطی که تهدیدات امنیتی ابعاد نوین یافته‌اند - از جمله حملات سایبری، تهدیدات زیستی، و جنگ‌های شناختی - دوچندان می‌شود؛ زیرا تنها با تحلیل‌های چندبعدی و کیفی است که می‌توان تصویر کاملی از محیط امنیتی به دست آورد.

بدین ترتیب، این تحقیق به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف موجود در سیاست‌های پدافند غیرعامل و امنیت انسانی عمل می‌کند و می‌تواند راهگشای تصمیم‌گیری‌های کلیدی در این حوزه باشد. همچنین، یافته‌های این تحقیق می‌توانند مبنای تدوین راهبردهای آینده قرار گیرند و به نهادهای اجرایی و تقنینی کمک کنند تا سیاست‌هایی هوشمندانه‌تر، کارآمدتر و متناسب با واقعیت‌های محیطی اتخاذ نمایند. در نهایت، ارزش افزوده اصلی روش کیفی در این گزارش، فراهم آوردن درکی ژرف و همه‌جانبه از واقعیت‌های امنیتی کشور است؛ درکی که فراتر از آمار خام و داده‌های کمی، ابعاد انسانی، اجتماعی، فرهنگی و روانی تهدیدات را نیز در بر می‌گیرد و همین امر، سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد با چشمانی بازتر و بصیرتی عمیق‌تر در مسیر صیانت از امنیت ملی و انسانی گام بردارند.

### ۳. تاریخچه پدافند غیرعامل در کشور

پیش از بررسی تاریخچه نهادی پدافند غیرعامل در ایران، اشاره‌ای به ریشه‌های دینی، فرهنگی و تاریخی آن ضروری به نظر می‌رسد. در صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) در نبرد خندق درباره مشروعیت به‌کارگیری فریب نظامی، تصریح فرمودند: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ؛<sup>۱</sup> جنگ، نیرنگ و فریب است» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱۰۲). این روایت تاریخی نشان می‌دهد اصل فریب، اختفا و پوشش از دیرباز به‌عنوان مبنای راهبردی در دفاع اسلامی مورد توجه بوده است. آموزه‌های اسلامی همواره بر هوشیاری، احتیاط و استفاده از ابزارهای غیرمستقیم برای مقابله با دشمن تأکید کرده‌اند. همین نگاه بعدها در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه پدافند غیرعامل انعکاس یافت و زمینه مشروعیت‌بخشی به اقدامات غیرمسلحانه در عرصه دفاع ملی را فراهم کرد.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادی تحت عنوان «سازمان دفاع غیرنظامی» ذیل نخست‌وزیری فعالیت می‌کرد که مأموریت آن به‌طور نسبی با مفاهیم امروزی پدافند غیرعامل مشابهت داشت. وظایف این سازمان بیشتر معطوف به آموزش مردم در زمان حملات هوایی، آماده‌سازی زیرساخت‌های شهری در برابر بمباران احتمالی و سازماندهی امداد و نجات بود. اگرچه این سازمان از نظر ساختاری محدود و بیشتر وابسته به اقتباس از تجارب خارجی (به‌ویژه کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم) بود، اما به‌نوعی نخستین بستر نهادی برای دفاع غیرمسلحانه در کشور محسوب می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب تصویب کرد که این سازمان در بسیج ادغام شود. اما با توجه به اینکه بسیج در آن مقطع بیشتر ماهیتی نظامی و داوطلبانه داشت و پدافند غیرعامل حوزه‌ای غیرنظامی و ساختاری محسوب می‌شد، این ادغام باعث شد که موضوع پدافند غیرعامل برای مدتی بلا تکلیف باقی بماند.

۱. الإمام الباقر عليه السلام: «إِنَّ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَأَنَّ يَخْطِفَنِي الطَّيْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا لَمْ يَقُلْ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ يَوْمَ الْخَنْدَقِ: الْحَرْبُ خُدْعَةٌ، وَيَقُولُ: تَكَلَّمُوا بِمَا أُرَدُّكُمْ».

امام باقر (علیه السلام): علی (علیه السلام) می‌فرمود: «اگر پرنده مرا برباید خوش‌تر دارم تا سخنی را به پیامبر نسبت دهم که نفرموده است. شنیدم پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در جنگ خندق می‌فرمود: "جنگ یعنی خدعه و نیرنگ." و می‌فرمود: "هر چه می‌خواهید بگویید».

در دوران دفاع مقدس، با توجه به شدت حملات رژیم بعثی عراق، به‌ویژه استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی و بمباران شهرها، مسئولیت این حوزه به معاونت نخست‌وزیر در امور جنگ سپرده شد و مدیریت آن را دکتر حسن فیروزآبادی، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، بر عهده داشت. در این مقطع، وظیفه اصلی این معاونت بسیج منابع و اداره امور غیرنظامی مرتبط با جنگ، مانند امداد شهری، پشتیبانی لجستیک غیرنظامی، و توزیع خدمات حیاتی بود.

در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، مأموریت پدافند غیرعامل میان چندین نهاد دست‌به‌دست شد. ابتدا به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سپرده شد تا در قالب برنامه‌های توسعه به آن پرداخته شود. سپس این وظایف به شورای عالی امنیت ملی منتقل گردید. مدتی بعد نیز ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت پدافند غیرعامل را بر عهده گرفت. اما چون در ارتش نگاه غالب به پدافند، صرفاً نظامی و محدود به پدافند هوایی بود، اقدامات مؤثری در بعد غیرنظامی شکل نگرفت و موضوع ابعاد واقعی و فراگیر خود را پیدا نکرد. نقطه عطف اصلی زمانی رخ داد که در سال ۱۳۸۲ مقام معظم رهبری دستور تشکیل ساختار منسجم‌تری برای پدافند غیرعامل را صادر کردند. ستاد کل نیروهای مسلح در پی این فرمان، بررسی جامعی انجام داد و پیشنهاد کرد که نهادی مرکب از عناصر دولت و ستاد کل تحت عنوان «کمیته دائمی پدافند غیرعامل» تشکیل شود. این کمیته تلاش کرد جایگاه حقوقی و قانونی پدافند غیرعامل تثبیت شود و مسئولیت آن از پراکندگی و بلا تکلیفی نهادی رهایی یابد.

بر همین اساس، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۳ در بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع پدافند غیرعامل به‌طور صریح وارد نظام قانون‌گذاری شد و سپس آیین‌نامه اجرایی آن تدوین گردید. این اقدام به‌مثابه نقطه آغاز نهادینه‌سازی پدافند غیرعامل در سطح ملی بود؛ به گونه‌ای که چارچوب روابط دستگاه‌های اجرایی با سازمان پدافند غیرعامل مشخص شد و همکاری میان‌بخشی در این عرصه آغاز گردید. با تصویب و اجرای این آیین‌نامه، برای نخستین بار روابط و چارچوب‌های همکاری مجموعه پدافند غیرعامل با دستگاه‌های اجرایی کشور به‌طور رسمی مشخص گردید.

این سیر تحولات نشان می‌دهد که پدافند غیرعامل در ایران از یک وضعیت پراکنده، نامتمرکز و بیشتر جنبه‌های اجرایی و مقطعی، به تدریج به جایگاهی قانونی و ساختاری مشخص رسیده است. به عبارت دیگر، روند تکامل آن را می‌توان از سه مرحله اصلی عبور داد: نخست، دوره شکل‌گیری ابتدایی و محدود در قالب سازمان دفاع غیرنظامی؛ دوم، دوره پراکندگی نهادی و ادغام در ساختارهای نظامی و اجرایی پس از انقلاب؛ و سوم، دوره نهادینه‌سازی و قانون‌گذاری در سطح ملی با دستور رهبری و ورود به برنامه‌های توسعه‌ای.

این فرایند از یک‌سو ریشه در آموزه‌های اسلامی مانند اصل فریب، اختفا و پوشش دارد و از سوی دیگر، در پاسخ به تهدیدات نوین و ضرورت‌های امنیت انسانی در ابعاد زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی تکامل یافته است. بنابراین، تاریخچه پدافند غیرعامل در ایران را باید ترکیبی از پیوندهای عمیق فرهنگی و دینی با تحولات نهادی و قانونی جدید دانست؛ پیوندی که نشان می‌دهد توجه به امنیت پایدار و دفاع غیرمسلحانه همواره بخشی از هویت دفاعی و ملی کشور بوده و امروز در قالب سازمان‌ها و ساختارهای قانونی تثبیت شده است.

#### ۴. حوزه‌ها و سازمان‌های مختلف درگیر در پدافند غیر عامل

سازمان پدافند غیر عامل اگرچه در ساختار کلان کشور ذیل ستاد کل نیروهای مسلح تعریف می‌شود، اما حوزه مأموریتی آن به مراتب فراگیرتر از نهادهای صرفاً نظامی است و کلیه دستگاه‌های اجرایی، نهادهای عمومی و غیردولتی، سازمان‌های خدمات‌رسان و زیرساخت‌های حیاتی کشور را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، برای تسهیل تعامل میان این سازمان و سایر دستگاه‌ها، معاونت‌های متناظری در ساختار سازمان پدافند غیر عامل پیش‌بینی شده است تا هر یک بتوانند متناسب با مأموریت‌های تخصصی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، راهبردها و دستورالعمل‌های پدافند غیر عامل را اجرایی سازند. در واقع، این سازمان ماهیتی میان‌بخشی دارد و تحقق اهداف آن مستلزم هماهنگی دائمی با بخش‌های مختلف حاکمیتی و مردمی است. آیین‌نامه اجرایی بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز در ماده ۱ بند الف، تعریف استاندارد از پدافند غیر عامل ارائه می‌دهد که در طراحی‌های بخشی باید رعایت شود: «پدافند غیر عامل: مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها و تأسیسات، تجهیزات و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن می‌گردد».

سیاست‌های کلی ابلاغی نیز تصریح می‌کند که پدافند غیر عامل «مجموعه اقدامات غیرمسلحانه» است که باید به‌طور مستقیم به تداوم خدمات ضروری و ارتقای پایداری ملی بینجامد. مطابق اساسنامه، هدف کلان از ایجاد این سازمان «کاهش آسیب‌پذیری، افزایش پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران، تداوم کارکرد فعالیت‌های ضروری و تولید بازدارندگی دفاعی در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن» است (اساسنامه سازمان پدافند غیر عامل کشور، ماده ۲، بند ۵).

یکی از ویژگی‌های شاخص سازمان، تأسیس «قرارگاه‌های تخصصی» است که برای پاسخ‌گویی به تهدیدات متنوع و پیچیده قرن بیست‌ویکم طراحی شده‌اند. این قرارگاه‌ها ضمن تمرکز بر پایش مستمر تهدیدات انسان‌ساخت، مأموریت دارند آمادگی ملی را برای مقابله با سناریوهای احتمالی ارتقا دهند. در اساسنامه این سازمان آمده است: «هدایت و راهبری مقابله با تهدیدات نوین (سایبری، زیستی، پرتوی، شیمیایی، اقتصادی) با تشکیل و سازماندهی قرارگاه‌های پدافند غیر عامل در موضوعات مرتبط با تهدید» (اساسنامه سازمان پدافند غیر عامل کشور، ماده ۱۰، بند ب).

«قرارگاه پدافند سایبری» با توجه به رشد سریع فناوری اطلاعات و آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی کشور در برابر حملات سایبری تشکیل شده و مأموریت اصلی آن، مصون‌سازی شبکه‌های ارتباطی، بانکی، انرژی و حمل‌ونقل از نفوذ و تخریب است؛ چراکه زیرساخت‌های حیاتی کشورها بدون وجود لایه‌های دفاعی پدافند غیر عامل به شدت در معرض تهدیدات سایبری قرار دارند. «قرارگاه پدافند الکترونیک» مأموریت یافته است تهدیدات ناشی از جنگ الکترونیک را شناسایی و خنثی کند. این قرارگاه می‌کوشد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و صنعتی کشور، طرح‌های دفاع الکترونیک را در حوزه‌های ارتباطی و نظامی - صنعتی پیاده‌سازی کند.

«قرارگاه پدافند زیستی» مأموریت دارد با رویکردی چندبخشی، از جامعه در برابر تهدیدات زیستی اعم از آلودگی‌های عمدی و حوادث طبیعی دفاع کند. تمرکز آن نه تنها بر سلامت انسان، بلکه بر کشاورزی، دامپروری، منابع آب و محیط‌زیست نیز قرار دارد. در جریان همه‌گیری کرونا نیز این قرارگاه با همکاری وزارت بهداشت، طرح‌های کنترلی و اطلاع‌رسانی برای کاهش آسیب‌پذیری مردم اجرا کرد. «قرارگاه پدافند شیمیایی» به کنترل و کاهش پیامدهای ناشی از نشت‌های صنعتی و تهدیدات دشمن در حوزه مواد شیمیایی اختصاص دارد.

«قرارگاه پدافند پرتوی» مأموریت دارد تا در برابر تهدیدات ناشی از حوادث هسته‌ای و پرتوی، ضمن ارتقای ظرفیت فنی و پزشکی کشور، مردم را در برابر پیامدهای احتمالی مصون کند. در حوزه زیرساختی، «قرارگاه پدافند کالبدی» مسئولیت مستحکم‌سازی، پایدارسازی و حفاظت فیزیکی پروژه‌های ملی و شریان‌های حیاتی کشور را برعهده دارد. به‌عنوان مثال، اجرای ملاحظات فنی در طراحی سدها، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل بخشی از مأموریت این قرارگاه است. در نهایت «قرارگاه پدافند مردم‌محور» با شعار «مردم‌یاری، مردم‌بانی و مردم‌داری» به‌منظور ارتقای آگاهی عمومی و آماده‌سازی جامعه در برابر تهدیدات تشکیل شده است. تجربه بحران‌های طبیعی مانند زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ نشان داد که آمادگی و سازمان‌دهی مردمی در کنار اقدامات نهادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تلفات و خسارات دارد. این قرارگاه با آموزش همگانی، رزمایش‌های شهری و برنامه‌های اطلاع‌رسانی عمومی می‌کوشد امنیت انسانی را در سطح اجتماع تقویت کند.

بنابراین، سازمان پدافند غیرعامل با طراحی چنین ساختاری، نه تنها یک نهاد صرفاً نظامی نیست، بلکه بازوی راهبردی کشور در حوزه امنیت انسانی شناخته می‌شود. به‌کارگیری قرارگاه‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف تهدید، ظرفیت مهمی است که می‌تواند با هم‌افزایی میان دولت، نیروهای مسلح و مردم، بنیان‌های امنیت پایدار و تاب‌آور کشور را مستحکم سازد. سازمان پدافند غیرعامل، با اتکا به جایگاه حقوقی حاکمیتی و شبکه‌ای از معاونت‌های متناظر و قرارگاه‌های تخصصی، پل اجرا بین قانون، سیاست‌های کلی و نیازهای عینی امنیت انسانی است: از صیانت از جان و سلامت مردم و خدمات درمانی تا ایمنی داده‌ها، ایمنی شیمیایی/پرتوی، و تاب‌آوری کالبدی زیرساخت‌ها.

## ۵. سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام در امور پدافند غیرعامل را به‌عنوان یک سند راهبردی بنیادین به قوای سه‌گانه و همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ فرمودند. این اقدام مهم، نه تنها در چارچوب اختیارات رهبری نظام صورت پذیرفت، بلکه نشان‌دهنده اهمیت و اولویت ویژه‌ای است که عالی‌ترین مقام کشور برای مقوله «پدافند غیرعامل» قائل هستند. این سیاست‌های کلان که حاصل مطالعات عمیق کارشناسی و بررسی‌های همه‌جانبه در سطح ملی است، نقشه راه جامع و بلندمدت برای تقویت ایمنی، تاب‌آوری و امنیت پایدار کشور در برابر تهدیدات نوین و پیچیده محسوب می‌شود.

پیش‌نویس اولیه این سیاست‌ها پس از ماه‌ها کار مداوم، پژوهش و بررسی‌های تخصصی توسط کارگروه‌های فنی مجمع تشخیص مصلحت نظام، با مشارکت فعال مراکز علمی، دانشگاهی، نظامی و امنیتی کشور تهیه گردید. در این روند، مجموعه‌ای از اندیشمندان، فرماندهان و کارشناسان برجسته ملی حضور داشتند و تلاش کردند همه ابعاد تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های کشور در حوزه‌های زیربنایی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی مورد توجه قرار گیرد. پیش‌نویس سیاست‌ها سپس در جلسات متعدد کمیسیون‌های تخصصی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد نقد و بررسی عمیق قرار گرفت و پس از اصلاحات لازم و اعمال نظرات کارشناسی، در نهایت متن نهایی آماده و به محضر مبارک مقام معظم رهبری تقدیم شد. این فرایند که با نظارت دقیق دبیر محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشارکت حداکثری نهادهای ذی‌ربط انجام پذیرفت، نمونه‌ای بارز از تعامل سازنده قوای نظام و هم‌افزایی میان مراکز علمی، امنیتی و اجرایی کشور در تدوین سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

متن کامل این سیاست‌های ابلاغی، اکنون به‌عنوان یک سند بالادستی و مرجع تصمیم‌گیری الزام‌آور برای کلیه دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر، این سند چارچوبی است که همه نهادها و سازمان‌ها باید در برنامه‌ریزی‌ها، قوانین، طرح‌ها و اقدامات عملیاتی خود آن را مبنا قرار دهند. بدین ترتیب، پدافند غیرعامل از سطح یک دغدغه امنیتی به سطح یک راهبرد ملی ارتقا یافته است. این سیاست‌ها با در نظر گرفتن شرایط جهانی، تحولات فناوری، افزایش تنوع تهدیدات و نیز تجربه‌های ارزشمند کشور در حوزه دفاعی، تدوین گردیده‌اند و به‌عنوان یک نقشه جامع، زمینه هماهنگی و انسجام ملی در برابر تهدیدات را فراهم می‌سازند. این سند مهم، بر پایه آموزه‌های دفاعی اسلام ناب محمدی (ص)، تجربه‌های تاریخی امت اسلامی و به‌ویژه دستاوردهای ارزشمند دفاع مقدس تدوین شده است.

- سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به شرح زیر است:
۱. تأکید بر پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.
  ۲. ساسیت‌زدایی، اختفا، استتار، فریب دشمن و ایمن‌سازی نسبت به مراکز جمعیتی و حائز اهمیت بویژه در طرح‌های آمایش سرزمینی و طرح‌های توسعه آینده کشور.
  ۳. طبقه‌بندی مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت به حیاتی، حساس و مهم و روزآمد کردن آن در صورت لزوم.
  ۴. تهیه و اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل (با رعایت اصل هزینه - فایده) در مورد مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت (نظامی و غیرنظامی) موجود و در دست اجرا بر اساس اولویت‌بندی و امکانات حداکثر تا پایان برنامه ششم و تأمین اعتبار مورد نیاز.
  ۵. تأکید و بازطراحی پدافند غیرعامل در برابر سلاح‌های غیرمتعارف نظیر هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی.
  ۶. دو یا چندمنظوره کردن مستحذات<sup>۱</sup>، تأسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره‌گیری پدافندی از طرح‌های عمرانی و به‌ویژه در مناطق مرزی و حساس کشور.
  ۷. فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در زمینه به‌کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پیش‌بینی مواد درسی در سطوح مختلف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل.
  ۸. رعایت طبقه‌بندی اطلاعات طرح‌های پدافند غیرعامل.
  ۹. ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن این گونه تأسیسات از شهرها و پیش‌بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تأسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تأسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم.
  ۱۰. حمایت لازم از توسعه فناوری و صنایع مرتبط مورد نیاز کشور در پدافند غیرعامل با تأکید بر طراحی و تولید داخلی.
  ۱۱. به‌کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری و الکترونیکی و سایر تهدیدات جدید دشمن به منظور حفظ و صیانت شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مخابراتی و رایانه‌ای.
  ۱۲. پیش‌بینی سازوکار لازم برای تهیه طرح‌های مشترک ایمن‌سازی و ایجاد هماهنگی در سایر طرح‌ها و برنامه‌ها و مدیریت نهادهای مسئول، در دو حوزه پدافند غیرعامل و حوادث غیرمترقبه در جهت هم‌افزایی و کاهش هزینه‌ها.

۱. به معنای بناهای نو و تأسیسات ساخته شده است.

۱۳. ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها.

موارد فوق که با نگاه آینده‌پژوهانه و با توجه به تحولات محیط امنیتی منطقه و جهان تنظیم شده است، با هدف ایجاد یک چارچوب منسجم و یکپارچه، تلاش می‌کنند تمامی نهادهای کشور را در مسیر واحدی برای تقویت امنیت ملی قرار دهند و نقشه راه جامع برای حفاظت از سرمایه‌های ملی، زیرساخت‌های حیاتی و امنیت پایدار کشور در برابر انواع تهدیدات محسوب می‌شود. اجرای دقیق این سیاست‌ها توسط کلیه نهادها و دستگاه‌های ذیربط، گام بلندی در جهت تقویت اقتدار ملی و مصون‌سازی کشور در برابر تهدیدات نوین خواهد بود.

بر اساس این سیاست‌ها، نه تنها دستگاه‌های نظامی و امنیتی، بلکه همه نهادهای دولتی، بخش خصوصی، مراکز علمی و حتی سازمان‌های مردم‌نهاد موظف‌اند نقش و مسئولیت خود را در پدافند غیرعامل به‌درستی ایفا کنند. این نگاه فراگیر، نقطه تمایز مهم سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری با رویکردهای پیشین است که بیشتر معطوف به اقدامات نظامی یا صرفاً فنی بودند. از این پس، پدافند غیرعامل به عنوان یک مقوله ملی، جامع و چندبعدی تلقی می‌شود که تمامی ارکان کشور را در بر می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت این سیاست‌های کلان ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی، نه تنها چارچوب قانونی و نهادی پدافند غیرعامل را تثبیت کرده، بلکه افق‌های جدیدی برای آینده گشوده و مبنایی مستحکم برای تقویت امنیت انسانی، ارتقای قدرت ملی و تضمین استقلال کشور در برابر تهدیدات روزافزون دشمنان فراهم نموده است.

## ۶. قوانین پدافند غیرعامل

پدافند غیرعامل در جمهوری اسلامی ایران نه صرفاً یک دستورالعمل اجرایی، بلکه یک رویکرد راهبردی مبتنی بر اصول «امنیت انسانی» است که هدف آن کاهش آسیب‌پذیری مردم و زیرساخت‌ها در برابر تهدیدات متنوع است. بدین معنا که قوانین مرتبط با پدافند غیرعامل در سطح عالی‌ترین اسناد بالادستی کشور جای گرفته‌اند و به‌طور مستقیم با حفظ جان، معیشت، رفاه و کرامت انسانی پیوند دارند. از منظر اسناد حقوقی، مجموعه‌ای از قوانین و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، بنیان حقوقی پدافند غیرعامل را تشکیل می‌دهند. این مجموعه شامل مواردی همچون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی نظام در حوزه دفاعی و امنیتی، و به‌ویژه قوانین توسعه‌ای است. در این چارچوب، «بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه» برای نخستین‌بار پدافند غیرعامل را وارد نظام برنامه‌ریزی کشور کرد و پس از آن در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه نیز استمرار یافت. گنجاندن اصول پدافند غیرعامل در قوانین توسعه‌ای، بیانگر آن است که این موضوع از سطح یک توصیه صرف، به سطح یک الزام قانونی و ملی ارتقا یافته است.

گام اخیر در این مسیر تصویب «قانون تشکیل سازمان پدافند غیرعامل کشور»<sup>۱</sup> در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ توسط مجلس شورای اسلامی است که مشتمل بر ماده واحد و چهار تبصره است و نقطه عطفی در تاریخ حقوقی این حوزه به شمار می‌آید. این قانون با تعریف ساختار سازمانی و تبیین وظایف، اختیارات و الزامات دستگاه‌ها، زمینه اجرای هماهنگ و یکپارچه اقدامات پدافندی را فراهم ساخته است و به دنبال آن نظام جامع عملیاتی پدافند غیرعامل کشور<sup>۲</sup> تصویب شد که مشتمل بر بیست و سه ماده و شصت و هفت بند و نه تبصره که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ در هفتاد و هفتمین جلسه کارگروه (کمیته) دائمی پدافند غیرعامل کشور به تصویب رسید، به استناد تبصره ۱ قانون تشکیل سازمان پدافند غیرعامل کشور مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی و ماده ۸ اساسنامه سازمان پدافند غیرعامل کشور مصوب مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. این سند به‌طور مشخص، تعامل میان دستگاه‌های اجرایی، الزامات مردم‌محور و رویکردهای نوین در برابر تهدیدات سایبری، زیستی و کالبدی را تبیین می‌کند.

اهمیت این قوانین زمانی روشن‌تر می‌شود که آن را در پیوند با «امنیت انسانی» ببینیم. برای نمونه، در حوزه تهدیدات زیستی، اجرای مقررات مرتبط با پدافند غیرعامل در مدیریت بحران زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ نشان داد که رعایت ملاحظات قانونی و بین‌بخشی می‌تواند به کاهش چشمگیر آسیب‌پذیری شهروندان منجر شود. قوانین پدافند غیرعامل نه تنها به‌عنوان چارچوبی حقوقی و الزام‌آور عمل می‌کنند، بلکه در عمل نیز با تمرکز بر صیانت از انسان‌ها، مصداق بارز پیوند میان «امنیت ملی» و «امنیت انسانی» به شمار می‌آیند.

1. [https://rc.majlis.ir/fa/law/print\\_version/1782404](https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/1782404)

2. [https://rc.majlis.ir/fa/law/print\\_version/1792210](https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/1792210)

اسناد و موادی که در جمهوری اسلامی ایران به عنوان منابع و مستندات قانونی پدافند غیرعامل مطرح اند،

عبارتند از:

• قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول مختلفی بر این امر دلالت می کند؛ از جمله اصول ۳، ۹، ۴۵، ۷۹ و...)

- چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴
- سیاست های کلی نظام در حوزه خودکفایی دفاعی و امنیتی
- بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه ۵ ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران
- مواد ۱۹۸ (بند ک)، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۵ و ۲۳۱ قانون برنامه ۵ ساله توسعه جمهوری اسلامی

ایران

- زیر بندهای (۲-۵۳) و (۳-۵۳) بند ۵۳ پیش نویس ۶ ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران
- بند ۱۵ ماده (۱) سند ملی آمایش سرزمین
- اساسنامه سازمان پدافند غیرعامل کشور
- سیاست های کلی نظام در حوزه پدافند غیرعامل (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)
- (و از همه مهم تر) قانون تشکیل سازمان پدافند غیرعامل کشور مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

## ۷. اهداف پدافند غیرعامل

هر هدف پدافند غیرعامل را می‌توان ذیل یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی (امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی) تفسیر کرد. اهداف پدافند غیرعامل در ایران، هم‌زمان هم رویکرد سخت‌افزاری (ایمنی‌سازی، کاهش آسیب‌پذیری) و هم رویکرد نرم‌افزاری (فرهنگ‌سازی، پژوهش، تمرکززدایی) را دنبال می‌کنند. این اهداف موارد ذیل را شامل می‌شود:

- کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن (به منظور محافظت از جان شهروندان در برابر تهدید مستقیم)
- تقلیل آسیب‌پذیری و کاهش خسارات تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم (نظیر نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، بیمارستان‌ها) همراستا با اصل تداوم خدمات ضروری
- حفظ سرمایه‌های کلان ملی و استمرار تولید و خدمات‌رسانی (نظیر واحدهای صنعتی و شبکه انرژی) به منظور ثبات اجتماعی

- حفظ توان خودی جهت ادامه فعالیت‌ها و تداوم عملیات تولید و خدمات‌رسانی
- سلب آزادی و ابتکار عمل از دشمن و ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در صحنه عملیات

- صرفه‌جویی در هزینه‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی (سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مقاوم و آموزش عمومی به‌جای هزینه‌کرد سنگین در تجهیزات تسلیحاتی)

- افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجمات دشمن و بلاهای غیرطبیعی

- تحمیل هزینه بیشتر به دشمن از طریق وادار کردن وی به تلف نمودن منابع محدود خود بر روی اهداف کاذب

- توزیع ثروت جمعیت و سرمایه‌های ملی در فضای سرزمینی کشور از طریق اعمال سیاست تمرکززدایی آمایش سرزمینی و....

- ایجاد آمادگی‌های لازم مقابله با دشمن در شرایط تهدیدات نامتقارن (مانند تهدیدات سایبری، حملات زیستی و جنگ‌های ترکیبی)

- حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور

- ایمنی‌سازی مراکز حیاتی، حساس و مهم

- توسعه کمی و کیفی منابع انسانی متخصص

- ارتقاء قابلیت بقاء و حفظ کشور در شرایط بحران

- افزایش آستانه مقاومت ملی و تقویت مؤلفه‌های مقاومت در مقابل تهدیدات

- فرهنگ‌سازی و ایجاد باور عمومی در مورد تأثیر پدافند غیرعامل در کاهش آسیب‌پذیری
- کسب امنیت پایدار در توسعه و پایدارسازی زیرساخت‌های حیاتی کشور
- تحقیق و پژوهش تولید علم و فناوری و فرهنگ‌سازی و تبدیل آن به معارف عمومی
- تکمیل چرخه دفاعی کشور و تعامل مثبت با دفاع عامل و پدافند غیرعامل
- نهادینه کردن رعایت اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در طرح‌های توسعه‌ای منتهی به ایجاد مراکز طبقه‌بندی

• کاهش مجموعه آسیب‌پذیری‌های کشور و نمایش اقتدار ملی ناشی از آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های بازدارندگی

- به حداقل رسانیدن تأثیر تهدیدات نظامی دشمن بر زیرساخت‌های حیاتی، حساس و مهم
  - توسعه کمی و کیفی ظرفیت و توان اجرایی پدافند غیرعامل در بدنه مهندسی کشور
- (مشاوره و اجرا)

اهداف پدافند غیرعامل، هنگامی که از زاویه امنیت انسانی تحلیل شوند، صرفاً ابزارهای دفاعی یا مهندسی تلقی نمی‌شوند، بلکه بخشی از نظام جامع رفاه و کرامت مردم هستند. از این رو، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در سیاست‌گذاری کلان توسعه، این اهداف را نه به‌عنوان متمم، بلکه به‌عنوان زیرساخت حکمرانی امن و پایدار لحاظ کند.

## ۸. اصول پدافند غیر عامل

اصول پدافند غیر عامل مجموعه اقدامات بنیادی و زیربنایی است که در صورت به کارگیری می‌توان به اهداف پدافند غیر عامل از قبیل تقلیل خسارات و صدمات کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی اهداف هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نائل گردید. این اصول مانند استتار، اختفاء، پوشش، فریب، پراکندگی، مقاوم‌سازی و هشدار به موقع، نه صرفاً ابزارهای نظامی بلکه ستون‌های حفظ جان، سلامت و رفاه انسان‌ها و ابزاری برای تعمیق امنیت معیشتی، خدماتی، اجتماعی و فردی هستند. اصول عمده پدافند غیر عامل عبارتند از:

۱- انتخاب عرصه‌های ایمن در جغرافیای کشور

۲- تعیین مقیاس بهینه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا

۳- پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا

۴- انتخاب مقیاس بهینه از پراکندگی و توجیه اقتصادی پروژه

۵- کوچک‌سازی و ارزان‌سازی و ابتکار در پدافند غیر عامل

۶- موازی‌سازی سیستم‌های پشتیبانی وابسته

۷- مقاوم‌سازی استحکامات و ایمن‌سازی سازه‌های حیاتی

۸- مکان‌یابی استقرار عملکردها و چگونگی آن

۹- مدیریت بحران دفاعی در صحنه‌ها

۱۰- استتار و نامرئی‌سازی

۱۱- کور کردن سیستم اطلاعاتی دشمن

۱۲- اختفاء با استفاده از عوارض طبیعی

۱۳- پوشش در همه زمینه‌ها

۱۴- فریب، ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات

۱۵- حفاظت اطلاعات سیستم‌های حیاتی و مهم

۱۶- تولید سازه‌های دومنظوره پایداری ملی برخط (۱۴۰۱)

## جدول ۱: رابطه بین اصول پدافند غیرعامل و امنیت انسانی

کاربرد عملیاتی	پیوند با امنیت انسانی	اصل پدافند غیرعامل
استتار پناهگاه شهری؛ حفظ جان مردم در زلزله یا حمله شیمیایی	امنیت فردی و اجتماعی - فرهنگی	استتار، اختفا، پوشش
ایجاد مراکز ماکت برای منحرف‌سازی دشمن؛ کاهش خسارت واقعی به زیرساخت واقعی	امنیت فردی، اقتصادی و سیاسی	فریب، پراکندگی
بیمارستان بحران مقاوم که حتی پس از انفجار، قابلیت خدمت‌دهی دارد	امنیت بهداشتی، زیست‌محیطی	مقاوم‌سازی و استحکامات
ایجاد سامانه هشدار سریع برای پیش‌بینی سیل یا حمله سایبری، کاهش تلفات انسانی	امنیت بهداشتی، اجتماعی - فرهنگی	هشدار به موقع
مانند استفاده از متروها به عنوان پناهگاه در شرایط اضطراری	امنیت اجتماعی - فرهنگی، سیاسی	چندمنظوره‌سازی زیرساخت‌ها
انتقال مراکز حیاتی از نقطه پرجمعیت به مکان‌های ایمن و توزیع شده	امنیت محیطی، اجتماعی و فردی	انتخاب عرصه ایمن و مقیاس‌بندی
طراحی شبکه برق با خطوط موازی که در صورت قطعی، خدمات قطع نشوند	امنیت اقتصادی و تداوم خدمات	خردسازی و موازی‌سازی سیستم‌ها
دوره‌های آموزش پدافندی برای کودکان و مردم؛ کاهش تلفات در بحران‌ها	امنیت اجتماعی - فرهنگی و سیاسی	آموزش و فرهنگ‌سازی
حفاظت از داده‌های بیمارستانی در برابر حملات سایبری؛ حفظ اعتماد جمعی	امنیت فردی و سیاسی	محافظت اطلاعاتی

اصول پدافند غیرعامل، هنگامی که در چارچوب امنیت انسانی طبقه‌بندی شوند، از ابزارهای نظامی فراتر رفته و به سازوکاری جامع و مؤثر برای حفظ جان، سلامت، کرامت و تداوم اجتماعی تبدیل می‌شوند. این اصول نه تنها در حوزه نظامی و دفاعی، بلکه در ابعاد مختلف اجتماعی و انسانی نیز اهمیت دارند و می‌توانند به عنوان پایه‌هایی اساسی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی عمل کنند. به عبارت دیگر، اصول پدافند غیرعامل به عنوان یک رویکرد جامع، می‌توانند به تأمین امنیت و سلامت جامعه کمک کنند و به تقویت روابط انسانی و اجتماعی بین اقشار مختلف جامعه پردازند.

این اصول نباید در نگاه کارشناسی، تنها به عنوان توصیه‌های فنی و تخصصی دیده شوند، بلکه باید به عنوان ستون‌هایی برای حکمرانی پایدار و انسانی در نظر گرفته شوند. این نگاه به پدافند غیرعامل به ما این امکان را می‌دهد که اهمیت آن را در نظام‌های اجتماعی و سیاسی بهتر درک کنیم. مخصوصاً برای تصمیم‌گیران و نمایندگان مجلس، که مسیر قانون‌گذاری را می‌سازند، این اصول می‌توانند مبنای قانونی و اخلاقی برای تدوین قوانین و سیاست‌ها در زمینه امنیت انسانی و اجتماعی قرار گیرند. در واقع، درک عمیق‌تری از این اصول به تصمیم‌سازان کمک می‌کند سیاست‌هایی متوازن و پایدار در راستای تأمین امنیت و رفاه جامعه طراحی کنند.

علاوه بر این، پیاده‌سازی اصول پدافند غیرعامل در سیاست‌گذاری‌های عمومی می‌تواند به ارتقای سطح آگاهی و حساسیت جامعه نسبت به تهدیدات و چالش‌های موجود کمک کند. به عبارت دیگر، این اصول می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای آموزش و توانمندسازی جامعه عمل کند و به مردم کمک کند در برابر خطرات و چالش‌ها، آمادگی بیشتری داشته باشند. این آمادگی می‌تواند شامل آموزش‌های لازم برای مدیریت بحران، بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین تقویت حس همبستگی اجتماعی باشد.

در نهایت، باید توجه داشت که اصول پدافند غیرعامل به‌عنوان ابزاری جامع و چندبعدی، می‌تواند در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار و امنیت انسانی عمل کنند. این اصول با تأکید بر اهمیت حفظ کرامت انسانی و تأمین سلامت عمومی، می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدات در سطح ملی و محلی مورد استفاده قرار گیرند. به این ترتیب، با استفاده از این اصول، می‌توانیم به سمت ساختن جامعه‌ای مقاوم‌تر، ایمن‌تر و پایدارتر حرکت کنیم.

## ۹. مدیریت جهادی؛ نیروی محرکه پدافند غیرعامل و تأمین امنیت انسانی

میراث ماندگار جنگ هشت‌ساله و دوازده‌روزه تحمیلی، این دو دفاع مقدس برای جامعه امروز، به‌ویژه در شرایط کنونی، مدیریت جهادی است. در پرتو مدیریت جهادی است که حماسه‌ها خلق می‌شود و از کمترین امکانات بیشترین بهره‌برداری صورت می‌گیرد. این نوع مدیریت نه تنها در زمان جنگ بلکه در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کارآمد و مؤثر مورد توجه قرار گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا، به‌عنوان ستون خیمه انقلاب (حفظه الله و رعاه)، مدیریت جهادی را نوعی روحیه و فرهنگ مبارزه‌جویی و روشنگری آگاهانه معنا و تفسیر می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند که معیار جهاد شمشیر و میدان جنگ نیست؛ بلکه معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» معنا می‌شود.<sup>۱</sup>

(۲۶)

مدیریت جهادی نه صرفاً یک روش، بلکه روحیه‌ای تمدن‌ساز است که در برابر تهدیدات بیگانه، امیدآفرین و ملی‌ساز عمل می‌کند. این نوع مدیریت بر تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای با بصیرت، و همچنین اجرا با شتاب و استقامت تأکید دارد؛ همان چیزی که در تحلیل‌های پدافند غیرعامل برای واکنش سریع و تاب‌آوری مؤثر نیازمندیم. در واقع، مدیریت جهادی می‌تواند به‌عنوان یک الگوی جامع برای مقابله با چالش‌ها و بحران‌های مختلف، از جمله تهدیدات نظامی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شود.

۱. معظم له در جایی دیگر به مفهوم جهاد به‌مثابه مبارزه می‌پردازند. (۱۳۸۳)

از این رو، در پرتو این آموزه‌ها، برخی ویژگی‌های کلیدی مدیریت جهادی به صورت زیر قابل استخراج است:

• ایثار و بصیرت: از رهگذر ایمان و فداکاری، تصمیمات در لحظه گرفته می‌شود و این امر به جای انگیزه صرف سیاسی، بر مبنای ارزش‌های انسانی و اسلامی استوار است. این ویژگی به ما این امکان را می‌دهد که در شرایط بحرانی، تصمیماتی مؤثر و آگاهانه اتخاذ کنیم.

• خستگی‌ناپذیری و شتاب همراه با تدبیر: این ویژگی مشهود در فعالیت‌های امدادی و بسیج مردمی است که نشان‌دهنده همدلی و همکاری در راستای کمک به نیازمندان و آسیب‌دیدگان است. این روحیه، در واقع، تجلی‌بخش اراده جمعی و همکاری ملت در برابر چالش‌هاست.

• نوآوری در محدودیت‌ها: پیدایش میادین موقت درمانی یا خطوط تولید داخلی در شرایط تحریم، نمونه‌ای از این نوآوری است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با خلاقیت و ابتکار عمل، بر مشکلات فائق آمد. این نوع نوآوری نه تنها به تأمین نیازهای فوری کمک می‌کند، بلکه به توسعه پایدار نیز یاری می‌رساند.

• مدیریت آگاهانه و دلسوزانه: در این نوع مدیریت، تصمیماتی اتخاذ می‌شود که جان مردم را در اولویت قرار می‌دهند و هدف آن‌ها حفظ سلامت و رفاه عمومی است. این ویژگی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و ارتقاء سطح آگاهی جامعه منجر شود.

• سادگی زیستی و عدالت محوری: کاهش هزینه‌ها و ارتقای حس تعلق اجتماعی از دیگر ویژگی‌های مدیریت جهادی است که می‌تواند به ایجاد یک جامعه عادلانه و پایدار کمک کند. این امر به ویژه در شرایط اقتصادی دشوار، اهمیت دوچندانی دارد.

این مفاهیم با امنیت انسانی گره می‌خورند: حفظ جان، سلامت، رفاه، عدالت، اعتماد و تاب‌آوری اجتماعی، همگی از مؤلفه‌های کلیدی مدیریت جهادی هستند. به همین دلیل، مدیریت جهادی، نه یک شعار، بلکه روح مدیریتی است که در سخت‌ترین شرایط انسجام، عقلانیت، نوآوری و ایثار را در هم می‌تند و با عملکرد عملیاتی خود، امنیت انسانی را پاس می‌دارد. این سبک مدیریتی، در مواقع بحرانی، بنیاد استحکام اجتماعی است؛ از جنگ تحمیلی تا مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر و تهدیدات اقلیمی. در این راستا، توصیه می‌شود که مجلس شورای اسلامی این سبک را در قانون‌گذاری‌های کلان - به ویژه در حوزه پدافند غیرعامل - به عنوان الگو مدیریتی رسمی در نظر گیرد. این اقدام می‌تواند به تقویت ساختارهای مدیریتی و اجتماعی در کشور کمک کند و زمینه‌ساز تحقق اهداف بلندمدت در راستای حفظ امنیت و رفاه عمومی باشد. مدیریت جهادی در واقع یک ضرورت راهبردی در دنیای امروز به شمار می‌رود که با توجه به تهدیدات روزافزون، باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

## ۱۰. چگونگی بهره‌گیری از پدافند غیر عامل

در دوران دفاع مقدس، با توجه به محدودیت‌های منابع نظامی و تجهیزات موجود، ایران به‌طور گسترده‌ای از اصول پدافند غیر عامل بهره برد تا آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی را به حداقل برساند. این اقدامات و تدابیر اتخاذ شده، به‌ویژه در حوزه‌های نظامی، تأثیرات قابل توجهی بر نحوه جنگ و مقاومت کشور داشتند. این رویکرد نه تنها به کاهش تلفات و خسارات ناشی از جنگ کمک کرد، بلکه به تقویت روحیه رزمندگان و اعتماد عمومی نیز منجر شد. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین روش‌ها و کاربردهای آن در دوران دفاع مقدس اول اشاره می‌شود:

• استفاده از عوارض طبیعی: یکی از راهکارهای کلیدی در پدافند غیر عامل، قرار دادن تأسیسات و تجهیزات در مکان‌هایی بود که از دید دشمن پنهان بودند. این شامل استفاده از درختان، تپه‌ها و دیگر عوارض طبیعی به‌عنوان سپر دفاعی بود. به‌عنوان مثال، امروزه شاهد هستیم که شهرهای موشکی و نظامی و تأسیسات هسته‌ای مهم در زیر زمین و کوه‌ها قرار گرفته‌اند تا از شناسایی و حملات دشمن مصون بمانند.

• استتار نوری: یکی دیگر از روش‌های مؤثر، استفاده از رنگ‌های خاص و پوشش‌هایی بود که تأسیسات را با محیط اطراف همخوانی می‌کند. این نوع استتار به تأسیسات این امکان را می‌دهد که از دید دشمن پنهان بمانند و در نتیجه، آسیب‌پذیری آن‌ها کاهش یابد.

• استتار حرارتی: به‌کارگیری مواد و فناوری‌هایی که حرارت تولید شده توسط تجهیزات را کاهش می‌دهد، یکی دیگر از شیوه‌های مؤثر در پدافند غیر عامل بود. این فناوری‌ها به جلوگیری از شناسایی تأسیسات توسط حسگرهای حرارتی کمک می‌کنند و به همین ترتیب، امنیت تأسیسات را افزایش می‌دهند.

• استتار راداری: استفاده از فناوری‌هایی برای کاهش بازتاب راداری تأسیسات نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به‌طور خاص، پوشش‌های خاصی که امواج راداری را جذب می‌کنند، نقش بسزایی در پنهان‌سازی تأسیسات ایفا می‌کنند و به این ترتیب، احتمال شناسایی آن‌ها به حداقل می‌رسد.

• استتار صوتی: کاهش صداهای تولید شده توسط تجهیزات یکی دیگر از روش‌های مؤثر برای جلوگیری از شناسایی مکان‌ها توسط دشمن بود. با کاهش صدا، احتمال شناسایی و حمله به تأسیسات کاهش می‌یافت و این امر به حفظ امنیت آن‌ها کمک می‌کرد.

• دیوارهای بتنی: دیوارهای بتنی به عنوان یک سپر دفاعی برای جداسازی تأسیسات مختلف و حفاظت از آنها در برابر حملات هوایی و شیمیایی ساخته شدند. این دیوارها به خصوص در برابر تهدیدات نظامی و شیمیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند و می‌توانستند امنیت تأسیسات را به طور قابل توجهی افزایش دهند.

• سیستم‌های هشدار: نصب آژیر خطر در تأسیسات و مجتمع‌های اداری برای آگاه‌سازی کارکنان و مردم در زمان حملات، یکی از اقداماتی بود که می‌توانست به کاهش خسارات انسانی کمک کند. با این حال، متأسفانه در این جنگ، عملکرد خوبی در این زمینه مشاهده نشد و نیاز به بهبود در سیستم‌های هشدار احساس می‌شد.

این اقدامات، با توجه به شرایط خاص آن دوران و محدودیت‌های موجود، نقش مهمی در کاهش خسارات و حفظ زیرساخت‌های حیاتی کشور ایفا کردند. به‌ویژه در شرایطی که دشمن با استفاده از سلاح‌های پیشرفته و انواع مختلف حملات به دنبال تضعیف کشور بود، این اصول توانستند به عنوان یک ابزار کارآمد عمل کنند. امروزه نیز با پیشرفت فناوری‌ها و تغییر نوع تهدیدات، نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی این اصول احساس می‌شود. به‌ویژه با ظهور فناوری‌های نوین و تهدیدات سایبری، بازنگری در استراتژی‌ها و روش‌های پدافند غیرعامل امری ضروری است. در این راستا، توجه به تجربیات گذشته و استفاده از آنها به عنوان مبنایی برای بهبود و ارتقاء امنیت ملی، می‌تواند به حفظ و تقویت زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی کشور کمک کند.

## ۱۱. پدافند غیرعامل و صداوسیما

رادیو و تلویزیون در دوران دفاع مقدس نقش‌های حیاتی و متنوعی در پدافند غیرعامل ایفا کردند. این رسانه‌ها با استفاده از ابزارهای ارتباطی خود به آگاهی‌رسانی در زمینه پدافند غیرعامل کمک کردند و نقش‌های اصلی زیر را اجرا کردند:

- پخش آژیر خطر: در زمان حملات هوایی، رادیو و تلویزیون با پخش آژیر خطر مردم را از وقوع حملات آگاه می‌کردند تا بتوانند اقدامات لازم را انجام دهند. این وظیفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، حمله‌های متعدد هوایی دشمن نیمی از کشور را به خود مشغول کرده بود و در چنین شرایطی، هشدارهای لازم می‌توانست جان بسیاری از افراد را نجات دهد. متأسفانه، در این جنگ، حداقل در شبکه‌های استانی، هشدارهای کافی داده نشد و این موضوع می‌توانست به کاهش تلفات انسانی کمک کند. بنابراین، ضرورت دارد در مواقع بحرانی، رسانه‌ها به‌ویژه رادیو و تلویزیون، نقش خود را به‌طور مؤثر ایفا کنند.

- تغییر باورها: رادیو و تلویزیون در تلاش بودند با تغییر باورها و القای این پیام که «ما می‌توانیم» در برابر تهدیدات دشمن ایستادگی کنیم، روحیه ملی را تقویت کنند. این رسانه‌ها به‌عنوان پل ارتباطی میان دولت و مردم، می‌توانستند با ارائه پیام‌های مثبت و انگیزشی، اعتماد به نفس را در جامعه افزایش دهند و در واقع، از طریق برنامه‌های مختلف، به تقویت احساس امید و همبستگی در بین مردم پردازند.

- ترویج اقدامات پدافند غیرعامل: رسانه‌ها به ترویج اقدامات حفاظتی، مانند استفاده از پناهگاه‌ها و تجهیزات ایمنی پرداختند که به کاهش آسیب‌پذیری جامعه کمک می‌کرد. این آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها می‌توانست به مردم کمک کند تا در مواقع بحران، به‌ویژه در برابر حملات هوایی و شیمیایی، آمادگی بیشتری داشته باشند و از جان و مال خود به‌خوبی حفاظت کنند.

- تولید محتوا: در شرایط بحرانی، تولید محتوا برای آگاهی‌رسانی به مردم درباره نحوه رفتار در مواقع اضطراری و مدیریت بحران بسیار مهم بود. رسانه‌ها می‌توانستند با ارائه اطلاعات دقیق و به‌روز، به مردم کمک کنند با آرامش و آگاهی بیشتری واکنش نشان دهند و در شرایط اضطراری، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. این محتوا می‌توانست شامل نکات ایمنی، راه‌های فرار از خطر، و نحوه دسترسی به خدمات ضروری باشد.

• تقویت روحیه اجتماعی: با اطلاع‌رسانی مداوم و ارائه اخبار مثبت از جبهه‌ها، رسانه‌ها به حفظ روحیه اجتماعی و انسجام ملی کمک کردند. این نقش به‌ویژه در شرایطی که جامعه تحت فشارهای روانی و اقتصادی قرار داشت، اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. رسانه‌ها با انتشار خبرهای موفقیت‌آمیز و پیروزی‌های رزمندگان، می‌توانستند احساس همبستگی و اتحاد را در میان مردم تقویت کنند و به ارتقای روحیه ملی پردازند.

• مقابله با تبلیغات منفی: این رسانه‌ها با انتشار اخبار صحیح و به موقع، مانع از گسترش شایعات و تبلیغات منفی علیه کشور شدند. در چنین شرایطی، اطلاعات نادرست و شایعات می‌توانستند به بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف روحیه ملی منجر شوند. بنابراین، وظیفه رسانه‌ها این بود که با ارائه اخبار دقیق و شفاف، از گسترش این نوع اطلاعات جلوگیری کنند و به تقویت اعتماد عمومی پردازند.

در قانون جامع پدافند غیرعامل کشور نیز آمده است: «سازمان صداوسیما نسبت به اطلاع‌رسانی، ارتقای سطح آگاهی مردم، اعلام هشدارهای لازم، آرامش‌بخشی، اقناع و هدایت افکار عمومی در شرایط اضطراری، آموزش‌های عمومی عملیات پدافند غیرعامل آحاد جامعه و مقابله با هم‌افزایی پیامدهای امنیتی جامعه در عملیات رسانه‌ای دشمن اقدام کند». این امر در ماده ۱۶ که وظایف دستگاه‌های محوری عملیات پدافند غیرعامل را مشخص می‌کند، ذکر شده است. این بیانیه نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت نقش رسانه‌ها در حفظ امنیت و آگاهی عمومی در زمان بحران‌ها و جنگ‌هاست. به‌طور کلی، این رسانه‌ها نه تنها به‌عنوان یک ابزار ارتباطی، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و کلیدی در مدیریت بحران و پدافند غیرعامل عمل کردند و این موضوع باید در برنامه‌ریزی‌های آینده و در مواجهه با تهدیدات جدید و نوظهور، به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

## ۱. تقویت زیرساخت‌ها و بازنگری در عملکرد پدافند غیرعامل کشور

جنگ دوازده‌روزه بین ایران و رژیم صهیونی و آمریکا، بیش از هر زمان دیگری ضرورت بازنگری جدی در عملکرد پدافند غیرعامل کشور، شفافیت در اطلاع‌رسانی و لزوم پاسخگویی مسئولان مربوط را آشکار ساخت. این نبرد به ویژه در برابر موج بی‌سابقه‌ای از نفوذها و حملات سایبری که شریان‌های حیاتی کشور را هدف قرار داد، اهمیت و ضرورت این بازنگری را برجسته‌تر کرد. این حملات نشان داد که آمریکا و رژیم غاصب به دنبال ضربه زدن به زیرساخت‌ها و ایجاد جنگ روانی برای برهم زدن آرامش مردم بود. در بحبوحه این نبرد، سؤالات تلخی در اذهان عمومی شکل گرفت که آیا پدافند غیرعامل کشور، آن‌گونه که باید، آماده مواجهه با تهدیدات نوین و نامتقارن بود؟ آیا زیرساخت‌های دفاعی و امنیتی ما به اندازه کافی قوی و مقاوم هستند؟

شاید برجسته‌ترین وجه تمایز این جنگ دوازده‌روزه از نبردهای پیشین، حجم و شدت بی‌سابقه حملات سایبری بود؛ حملاتی که نه تنها زیرساخت‌های حیاتی بلکه آرامش روانی جامعه را هدف قرار داد. از همان ساعات اولیه نبرد، اختلالات گسترده در اینترنت آغاز شد و این موضوع به شدت بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشت. سخنگوی هیأت دولت در توضیح این وضعیت اعلام کرد: «با توجه به حملات سایبری که دشمن به مراکز زیرساختی در حوزه فناوری اطلاعات دارد، برای پایداری شبکه مجبور هستیم سرعت شبکه را پایین بیاوریم». این کاهش سرعت اینترنت که در نهایت به قطعی گسترده و سراسری اینترنت بین‌الملل برای بیش از سه روز انجامید، نشانه‌ای از عمق آسیب‌پذیری سایبری کشور بود و به وضوح نشان داد که زیرساخت‌های ما به اندازه کافی برای مقابله با این نوع تهدیدات تجهیز نشده‌اند.

بانک‌ها، که شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور محسوب می‌شوند، نیز از این حملات در امان نماندند. گروه هکری «گنجشک درنده» مسئولیت حملات سنگین به بانک سپه و صرافی رمز ارز نویتکس را بر عهده گرفت. هرچند ادعای از بین بردن داده‌های بانک سپه تایید نشد، اما خسارت ۴۸ میلیون دلاری و به گفته وال استریت ژورنال ۸۱ میلیون دلاری به نویتکس و همچنین حمله به بانک پاسارگاد، نشان از نفوذ عمیق دشمن داشت. بررسی رویدادهای جنگ دوازده‌روزه حکایت از سه کاستی بنیادین در عملکرد پدافند غیرعامل دارد؛ به‌ویژه ناظر بر تهدیدات سایبری و روانی: (۱) ناتوانی در پیش‌آگاهی و هشدار سریع سایبری، (۲) نبود شفافیت و اطلاع‌رسانی به موقع، و (۳) خلأ پاسخگویی و اصلاح ساختاری.

در مقابل، ایران نیز بیکار نشست و به سرعت به واکنش پرداخت. گزارش‌ها حاکی از هک سامانه‌های پدافندی رژیم اسرائیل، خودانهدامی آن‌ها و ناتوانی در رهگیری موشک‌های ایرانی بود. این واکنش‌ها نشان‌دهنده توانمندی‌های سایبری ایران و قابلیت‌های دفاعی آن بود. شبکه‌های مخبراتی اسرائیل نیز هدف حملات هکری قرار گرفتند و عملیات روانی با ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز یا جعلی به شهروندان اسرائیلی انجام شد.

نام‌های «گنجشک درنده» که گفته می‌شود وابسته به واحد ۸۲۰۰ ارتش اسرائیل است و در مقابل «عصای موسی»، «حفظه» و «سایه سیاه» (گروه‌های هکری ایرانی) در این جنگ سایبری بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتادند. این تقابل سایبری نشان از حیاتی و سرنوشت‌ساز بودن این امر داشت و به روشنی نشان داد که جنگ‌های آینده نه تنها در میدان‌های نظامی، بلکه در عرصه سایبری نیز به وقوع خواهند پیوست.

در نتیجه، باید توجه ویژه‌ای به تقویت زیرساخت‌های سایبری و ایجاد سازوکارهای مناسب برای مقابله با تهدیدات نوین و نامتقارن داشته باشیم. همچنین، ضرورت دارد که شفافیت و اطلاع‌رسانی در زمان بحران‌ها به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد تا اعتماد عمومی حفظ شود و مردم در برابر تهدیدات، آگاه و آماده باشند. این امر نیازمند هم‌افزایی بین نهادهای دولتی، خصوصی و نظامی است تا بتوانیم به‌طور مؤثر با چالش‌های پیش‌رو مقابله کنیم و امنیت ملی را تضمین نماییم.

## ۲. مقابله هوشمندانه با پدیده نفوذ

شاید نگران‌کننده‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین بعد این جنگ ترکیبی و پیچیده، مسئله‌ی نفوذ باشد؛ نفوذی که نه تنها در قالب عملیات مستقیم جاسوسی یا خرابکاری بروز می‌کند، بلکه در سطوح اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی مدیریتی نیز رخنه کرده و می‌تواند بنیان‌های امنیت ملی را از درون تهدید کند. گزارش نوریوز مبنی بر دستگیری بیش از ۷۰۰ مزدور وابسته به رژیم صهیونیستی تنها در بازه‌ی ۱۲ روزه، پرده از ابعاد هولناک برمی‌دارد. افزون بر این، کشف و ضبط ۱۰ هزار ریزپرنده در پایتخت، نه تنها نشان‌دهنده سطح بالای سازماندهی دشمن در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای جاسوسی، خرابکاری و ایجاد آشوب است، بلکه بیانگر عمق نفوذ و گستردگی فعالیت‌های شبکه‌ای است که می‌تواند هر لحظه آرامش و امنیت عمومی را برهم زند.

این آمار و شواهد وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که با سخنان اسکندر مؤمنی، وزیر کشور، همراه گردد؛ او با اشاره به شهادت بیش از ۱۵۰ نفر از نیروهای جان‌برکف پلیس، این حجم از خسارت و حملات کینه‌توزانه به مراکز انتظامی را نشانه‌ای روشن از نقشه‌ای عمیق و طراحی‌شده دانست که هدف آن ایجاد آشوب فراگیر و تضعیف اقتدار نظامی و انتظامی کشور است. ترور فرماندهان ارشد، آتش‌سوزی در فضای سبز برج میلاد و حمله به مراکز نمادین شهری، همه و همه گواهی است بر اینکه سلول‌های خفته دشمن دیگر در خواب نیستند؛ آنان بیدار شده‌اند، به حرکت درآمده‌اند و گام به گام تلاش می‌کنند نظم امنیتی کشور را به گروگان بگیرند و اعتماد عمومی را مخدوش سازند.

کارشناسان امنیتی نیز هشدار داده‌اند که خطرناک‌ترین خائنان آنانی نیستند که با پرچم آشکار دشمنی وارد میدان می‌شوند، بلکه آنان کسانی‌اند که با چهره‌های آشنا، ظاهری خودی و لحنی فریبکارانه، اعتمادسازی می‌کنند و سپس مأموریت‌های خود را در حساس‌ترین نقاط و زمان‌ها به اجرا می‌گذارند. این نفوذ خاموش و تدریجی، همچون موریانه‌ای است که پیکره سازه‌های استوار را از درون تهی می‌سازد و در لحظه‌ای حساس، باعث فروپاشی می‌شود. به همین دلیل، دشمن برای نفوذ مؤثر ناگزیر است خود را همسو و هم‌شکل با ساختار داخلی نشان دهد؛ او لباس دوست می‌پوشد، در صفوف جامعه جای می‌گیرد و در بزنگاه‌ها مأموریت خود را پیش می‌برد.

این واقعیت تلخ، ضرورت یک خانه‌تکانی جدی و هوشمندانه را بیش از پیش گوشزد می‌کند؛ خانه‌تکانی‌ای که نه صرفاً به معنای پاکسازی ظاهری، بلکه به مفهوم بازنگری عمیق در فرایندهای گزینش، آموزش، مراقبت و پایش دائمی نیروها و نهادهاست. تقویت سامانه‌های رصد اطلاعاتی، ارتقای سواد امنیتی جامعه، توجه به تهدیدات فناورانه نوین همچون پهپادهای کوچک و هوشمند، و افزایش هماهنگی میان نهادهای امنیتی و انتظامی باید به‌عنوان اولویت‌های راهبردی دنبال شود.

از سوی دیگر، مقابله با نفوذ نیازمند ترکیب سه رکن اساسی است: اول، ایجاد حساسیت و آگاهی در سطح عمومی جامعه تا مردم خود چشم‌بینا و گوش‌شنوای دستگاه‌های امنیتی باشند. دوم، بازتعریف نظام‌های گزینشی و کنترلی در ساختارهای حساس مدیریتی و اجرایی تا از ورود عوامل مشکوک جلوگیری شود. سوم، نوسازی سازوکارهای امنیتی در برابر شیوه‌های نوین دشمن، به‌ویژه در حوزه سایبری و فناوری‌های هوشمند. با توجه به مجموعه شواهد موجود، می‌توان گفت که نفوذ دیگر یک احتمال دور و ذهنی نیست، بلکه خطری بالفعل و نزدیک است که در صورت غفلت، می‌تواند ضرباتی سنگین‌تر از تهدیدات نظامی مستقیم بر پیکره کشور وارد کند. بنابراین، توصیه سیاستی محوری این است که همه نهادها با رویکردی پیش‌دستانه و چندلایه به موضوع نفوذ بنگرند، آن را به‌عنوان یک اولویت ملی در دستور کار قرار دهند، و در سطحی فراتر از اقدامات مقطعی و واکنشی، راهبردی پایدار و ساختاریافته برای مقابله با آن تدوین نمایند.

### ۳. بازنگری در جانمایی زیرساخت‌های حیاتی و رعایت اصل پراکندگی

نباید نادیده گرفت که در برخی بخش‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های حساس و حیاتی همچون حفاظت از نیروگاه‌های بزرگ برق و مراکز هسته‌ای، تدابیر قابل توجهی در سال‌های گذشته اتخاذ شده است. این اقدامات، گرچه گامی ارزشمند در جهت افزایش ضریب امنیت ملی و تقویت تاب‌آوری کشور در برابر تهدیدات خارجی و داخلی محسوب می‌شوند، اما هرگز به معنای تکمیل و بی‌نیاز بودن از بازنگری و توسعه اقدامات جدید نیستند. تجربه‌های تلخ گذشته به‌ویژه واقعه انفجار و آتش‌سوزی در انبار نفت شهران، زنگ خطر جدی بود که به‌روشنی نشان داد بی‌توجهی به جانمایی صحیح زیرساخت‌های حساس در کنار مراکز پرجمعیت شهری چه پیامدهای جبران‌ناپذیری می‌تواند به دنبال داشته باشد.

انبار نفت شهران در قلب یکی از مناطق پرجمعیت تهران قرار داشت و بروز حادثه در آن نقطه، بار دیگر اهمیت پیوند میان امنیت زیرساختی و امنیت انسانی را به رخ کشید. این رخداد نه تنها از منظر خسارات اقتصادی و تخریب زیرساخت‌ها نگران‌کننده بود، بلکه سلامت و جان هزاران شهروند ساکن در اطراف را در معرض تهدید مستقیم قرار داد. اگرچه پس از حادثه، اقدامات کوتاه‌مدتی برای کنترل شرایط انجام شد، اما اصل ماجرا - یعنی لزوم خروج و انتقال چنین مراکز پرخطری از درون شهرها - همچنان مسئله‌ای است که باید با جدیت در دستور کار قرار گیرد.

پدافند غیرعامل تنها به معنای ایجاد دیوارها یا موانع فیزیکی پیرامون تأسیسات نیست؛ بلکه در سطحی عمیق‌تر به مفهوم طراحی، برنامه‌ریزی و جانمایی هوشمندانه زیرساخت‌های حیاتی است تا از همان ابتدا ریسک تهدیدات به حداقل برسد. وقتی مراکز نفتی، گازی، شیمیایی یا حتی مراکز ذخیره مواد منفجره و خطرناک در کنار مناطق پرجمعیت یا مسیرهای حیاتی ارتباطی احداث می‌شوند، عملاً در صورت وقوع حادثه، بار سنگین بحران بر دوش شهروندان عادی و خدمات عمومی کشور خواهد افتاد. چنین وضعیتی با فلسفه پدافند غیرعامل که مبتنی بر پیشگیری و کاهش خسارات انسانی و اقتصادی است، ناسازگار است.

در شرایطی که تهدیدات نوین، از جنگ‌های ترکیبی تا حملات سایبری و خرابکاری‌های هدفمند، به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته‌اند، هرگونه غفلت در حوزه جانمایی و ایمن‌سازی مراکز حیاتی می‌تواند کشور را در برابر رخدادهایی غیرقابل پیش‌بینی و خسارت‌بار آسیب‌پذیر کند. تجربه جنگ‌ها و بحران‌های طبیعی در کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که بیشترین میزان خسارات و تلفات ناشی از بی‌توجهی به همین اصول ابتدایی پدافند غیرعامل است.

از این‌رو توصیه سیاستی روشن در این زمینه آن است که دولت و دستگاه‌های مسئول، با همکاری نهادهای مرتبط، یک برنامه ملی بازنگری در موقعیت مکانی و شرایط ایمنی تمامی مراکز حیاتی، حساس و خطرناک را در دستور کار قرار دهند. این بازنگری باید شامل موارد زیر باشد:

- انتقال تدریجی انبارهای سوخت، نفت و گاز از محدوده‌های پرجمعیت شهری به مناطق ایمن‌تر در حاشیه یا خارج از شهرها.
- اعمال الزامات سخت‌گیرانه برای احداث هرگونه مرکز صنعتی و انرژی در نزدیکی مناطق مسکونی.
- ایجاد حریم‌های ایمنی و حفاظتی استاندارد پیرامون مراکز موجود تا زمان انتقال یا بازسازی کامل.
- پیش‌بینی سناریوهای بحران و آماده‌سازی طرح‌های تخلیه اضطراری برای شهروندان اطراف این مراکز.

• ارتقای سطح شفافیت و اطلاع‌رسانی عمومی به منظور آگاهی‌بخشی به مردم درباره خطرات و تدابیر پیشگیرانه.

بنابراین، واقعه شهران تنها یک حادثه ساده یا اتفاق غیرمترقبه نبود؛ بلکه هشدار جدی است که بار دیگر نشان داد که اقدامات مراقبتی و بازدارنده باید پیش از وقوع اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی همچون جنگ یا خرابکاری اندیشیده و عملیاتی شوند. اگر امروز چنین خانه‌تکانی و بازنگری ساختاری صورت نگیرد، فردا شاید دیگر فرصتی برای جبران خسارات انسانی، اقتصادی و امنیتی باقی نماند.

#### ۴. توسعه پناهگاه‌های شهری و بازنگری در زیرساخت‌های حفاظتی تهران

موضوع پناهگاه‌ها در تهران - پایتخت پرجمعیت کشور - به یکی از چالش‌های جدی و پرمناقشه در حوزه پدافند غیرعامل و امنیت انسانی تبدیل شده است. در شرایطی که شهر تهران با جمعیتی بالغ بر چندین میلیون نفر به‌عنوان مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور شناخته می‌شود، فقدان سازوکارهای ایمنی و حفاظتی کارآمد برای صیانت از جان شهروندان در برابر تهدیدات نظامی، تروریستی و حتی حوادث غیرمترقبه، می‌تواند تبعاتی سنگین و جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد.

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، در اظهار نظری صریح و هشداردهنده تصریح کرده است: «متأسفانه در تهران و دیگر شهرها به‌طور کامل پناهگاهی وجود ندارد». این جمله به‌خوبی ابعاد واقعی بحران را نمایان می‌سازد؛ زیرا نشان می‌دهد در طول دهه‌های گذشته، به‌رغم رشد سریع جمعیت شهری و افزایش تراکم ساختمان‌ها و برج‌ها، به موضوع ایجاد و تجهیز پناهگاه‌ها به‌عنوان بخشی از نیازهای حیاتی شهروندان توجه کافی نشده است. از سوی دیگر، سخنگوی شهرداری تهران نیز با اذعان به همین کاستی، تأکید کرده است که «همه ایستگاه‌های متروی ما مناسب برای پناهگاه نیست». این نکته آشکار می‌سازد که حتی زیرساخت‌هایی که می‌توانستند به‌عنوان جایگزین یا راه‌حل اضطراری مورد استفاده قرار گیرند، به‌دلیل ضعف طراحی و استانداردسازی، قابلیت ایفای نقش واقعی پناهگاه شهری را ندارند. چنین وضعیتی، در شهری با تراکم جمعیت بالا و زیرساخت‌های پیچیده، زنگ خطری جدی محسوب می‌شود.

برای درک بهتر اهمیت این موضوع، کافی است تهران را با شهرهایی همچون تل‌آویو مقایسه کنیم. تل‌آویو که بارها هدف بمباران شدید قرار گرفته است، به دلیل وجود پناهگاه‌های گسترده و استاندارد، توانسته میزان تلفات انسانی خود را به حداقل برساند. مقایسه آماری این موضوع روشن‌کننده است: در جنگ دوازده‌روزه، آمار رسمی حاکی از ۶۱۰ نفر تلفات بوده که بخش عمده آنان در مجتمع‌های مسکونی و نقاط شهری فاقد پناهگاه‌های ایمن جان باختند. همین آمار به‌خوبی نشان می‌دهد که اگر سازوکارهای حفاظتی و پناهگاه‌های استاندارد در دسترس شهروندان قرار می‌گرفت، ابعاد فاجعه بسیار کوچک‌تر می‌شد.

برای تهران که به‌عنوان قلب تپنده کشور و نماد اقتدار ملی شناخته می‌شود، فقدان پناهگاه‌های کارآمد می‌تواند در شرایط بحران به یک تهدید امنیتی گسترده تبدیل شود. در سناریوی احتمالی جنگ یا حملات موشکی، میلیون‌ها شهروند عملاً بدون سرپناه باقی خواهند ماند و این امر نه تنها خسارات انسانی را افزایش خواهد داد، بلکه موجب بروز بحران روانی، اجتماعی و حتی فروپاشی نظم شهری نیز خواهد شد. از منظر پدافند غیرعامل، این کاستی نه یک ضعف عادی بلکه یک شکاف راهبردی محسوب می‌شود که می‌تواند دستاوردهای امنیتی کشور را در معرض آسیب قرار دهد.

این شرایط، لزوم تدوین یک راهبرد ملی برای طراحی، ساخت و بهره‌برداری از پناهگاه‌های ایمن در کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران، را به‌شدت برجسته می‌سازد. چنین راهبردی باید شامل چند محور کلیدی باشد:

• بازنگری در طرح‌های جامع شهری و گنجانیدن الزام ایجاد پناهگاه در ساخت‌وسازهای بزرگ، به‌ویژه مجتمع‌های مسکونی و برج‌ها.

• استانداردسازی ایستگاه‌های مترو و زیرساخت‌های زیرزمینی به گونه‌ای که در مواقع بحران بتوانند به‌عنوان پناهگاه‌های مطمئن مورد استفاده قرار گیرند.

• تخصیص بودجه ویژه ملی برای احداث و تجهیز پناهگاه‌های عمومی در نقاط پرجمعیت شهر.

• ایجاد نظام بازرسی و نظارت مستمر برای اطمینان از رعایت الزامات ایمنی و مقاومت در برابر تهدیدات احتمالی.

• آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی به‌منظور آشنایی شهروندان با نحوه استفاده از پناهگاه‌ها و مدیریت شرایط اضطراری.

در نهایت باید پذیرفت که مقوله پناهگاه، یک موضوع ثانوی یا لوکس نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت انسانی و دفاع پایدار کشور است. تجربه‌های بین‌المللی ثابت کرده است که وجود پناهگاه‌های استاندارد می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، درصد بالایی از تلفات انسانی را کاهش دهد و مانع از فروپاشی نظم اجتماعی شود. از این رو، بی‌توجهی به این حوزه در پایتخت کشور، می‌تواند در آینده هزینه‌هایی بسیار سنگین‌تر از سرمایه‌گذاری امروز برای احداث و تجهیز پناهگاه‌ها به کشور تحمیل کند.

## ۵. بازنگری در مدیریت فناوری‌های نوین به‌ویژه تلفن همراه

در بحث تلفن همراه هوشمند، بارها و بارها از سوی مسئولان و کارشناسان امنیتی تأکید شده بود که فرماندهان و مسئولان رده‌بالا نباید این ابزار را در مأموریت‌ها و مناطق عملیاتی با خود حمل کنند. هشدارهایی که گاه جدی گرفته نشد و نتیجه آن، متأسفانه در میدان جنگ آشکار گردید. تعداد بالای شهدای اخیر به‌روشنی گواهی بر این واقعیت است که دشمن از همین وسیله ظاهراً ساده و روزمره، به‌عنوان یک ابزار پیچیده و مرگبار استفاده کرده است. دشمن نشان داده که می‌تواند هر کاری با تلفن همراه انجام دهد؛ از شنود مکالمات خصوصی و ردیابی موقعیت مکانی گرفته تا هک سامانه‌ها و انتقال اطلاعات حساس در کوتاه‌ترین زمان.

پدافند غیرعامل در اینجا معنا و مفهومی بسیار گسترده‌تر از «مقابله با هک» پیدا می‌کند. تهدیدات امروز تنها به حملات سایبری محدود نمی‌شود، بلکه حتی استفاده عادی و روزمره از تلفن همراه می‌تواند به ضعفی بزرگ تبدیل شود. در موارد متعدد شاهد بوده‌ایم که دشمن با بهره‌گیری از همین داده‌های دیجیتال، موقعیت دقیق فرماندهان، نیروهای عملیاتی و حتی دانشمندان کشور را شناسایی کرده و با طراحی حملات موشکی، پهپادی یا تروریستی، آنان را به شهادت رسانده است. این روند نشان می‌دهد فناوری، در کنار فرصت‌ها، تهدیداتی سهمگین نیز در دل خود دارد که اگر به‌درستی مدیریت نشوند، می‌تواند خساراتی جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشند.

اما مسئله صرفاً به حوزه فناوری ارتباطی محدود نیست. همین تجربه تلخ ضرورت تغییرات عمیق‌تر و گسترده‌تر در سطوح گوناگون را آشکار می‌کند. این تغییرات شامل بازنگری در شهرسازی و طراحی شهری، مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی، و توسعه پناهگاه‌های استاندارد و کارآمد است. شهرهایی که از ابتدا بدون در نظر گرفتن اصول پدافند غیرعامل ساخته شده‌اند، در برابر تهدیدات مدرن بسیار آسیب‌پذیرند. از این رو باید در طرح‌های جامع شهری، ایجاد پناهگاه‌های مجهز و مقاوم‌سازی مراکز حساس همچون نیروگاه‌ها، انبارهای سوخت، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به‌عنوان اولویت‌های جدی لحاظ شود.

افزون بر این، تقویت بنیه دفاعی کشور نباید صرفاً به بعد نظامی محدود بماند. امروز تهدیدات در حوزه‌های سایبری، زیستی، روانی و رسانه‌ای نیز با همان شدت و خطر آفرینی مطرح هستند. دشمن به‌خوبی دریافته که می‌تواند با حمله به شبکه‌های دیجیتال، اختلال در سیستم‌های انرژی و حمل و نقل، یا حتی ایجاد موج‌های رسانه‌ای و جنگ روانی، جامعه را دچار بی‌ثباتی کند. بنابراین، سیاست‌های پدافند غیرعامل باید به‌صورت جامع و چندبعدی تعریف شوند و همه حوزه‌ها از جمله امنیت غذایی، بهداشت عمومی، انرژی و فضای دیجیتال را پوشش دهند.

رئیس‌جمهور نیز در سخنرانی اخیر خود، به‌صراحت به حملات تروریستی اسرائیل علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران - از جمله بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و سایر تأسیسات غیرنظامی - اشاره کرد و بر ضرورت تقویت فوری زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی و شبکه‌های دیجیتال تأکید ورزید. این سخنان تأییدی است بر اینکه امروز دشمن هیچ خط قرمزی ندارد و حتی مراکزی که باید امن‌ترین نقاط برای شهروندان باشند، در معرض تهدید مستقیم قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، بازنگری در شیوه مدیریت فناوری‌های نوین و حفاظت از زیرساخت‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت فوری و غیرقابل تعویق است.

در نهایت، این توصیه سیاستی بر سه نکته کلیدی تأکید می‌کند: نخست، ضرورت بازآموزی و آموزش مداوم فرماندهان و مدیران برای استفاده حداقلی و کنترل‌شده از ابزارهای دیجیتال در مأموریت‌ها. دوم، بازنگری اساسی در حوزه شهرسازی و توسعه شهری با محوریت اصول پدافند غیرعامل. سوم، تقویت همه‌جانبه زیرساخت‌های حیاتی کشور در ابعاد نظامی، سایبری، زیستی، روانی و اجتماعی. تنها در سایه چنین رویکردی است که می‌توان تهدیدات نوین را مهار کرد و امنیت انسانی و ملی کشور را در برابر دشمنان مصون داشت.

۱. شهید اول، (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید.
۲. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ویراستار عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: کتابچی.
۳. مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۴. آیین نامه اجرایی بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳.
۵. اساسنامه سازمان پدافند غیرعامل کشور، ۱۴۰۰.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۹/۱۱/۲۹)، ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور پدافند غیرعامل.



تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۲۸۰۰۰  
آدرس: قم، سالاریه، خیابان میثم تمار، کوچه میثم ۱، پلاک ۱۲  
کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۴۵۹۱  
[cmir.parliran.ir](http://cmir.parliran.ir)